

بررسی مدل علی شیوه‌های فرزندپروری، جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ

Meraj.derakhshan@yahoo.com

معراج درخشان / دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

bshamshiri@rose.shirazu.ac.ir

بهرام جوکار / استاد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

بابک شمشیری / دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز

صادق احمدی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۵

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی پیشایندها و پیامدهای جهت‌گیری مذهبی، در قالب یک مدل علی بود. روش پژوهش، از نوع تحقیقات توصیفی و طرح همبستگی بود. جامعه آماری، تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطه نظری (دوره دوم) شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ تشکیل می‌دادند. از این میان، تعداد ۲۱۵ نفر (۱۱۱ دختر و ۱۰۴ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسش‌نامه‌های شیوه‌های فرزندپروری، جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج جدول ماتریس همبستگی نشان داد که بین اکثر متغیرهای پژوهش حاضر همبستگی معناداری در سطح $P > 0.01$ وجود داشت. در ادامه، نتایج تحلیل مسیر حاکی از معناداری نقش واسطه‌ای ابعاد جهت‌گیری مذهبی در رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مرگ بود. به‌طور کلی، می‌توان گفت: جهت‌گیری مذهبی و شیوه‌های فرزندپروری دو مورد از عوامل اصلی برای بررسی اضطراب مرگ می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، جهت‌گیری مذهبی، اضطراب مرگ.

بیان مسئله

نیاز انسان به دین، قدمتی به طول تاریخ دارد؛ زیرا بشر از همان آغاز زندگی خود، به حامی مقتدر و تکیه‌گاه نیرومندی احساس نیاز می‌کرده است. دین، پدیده‌ای چند بُعدی است. موضوع دین، مورد بحث محققان پیشگامی چون دورکیم و مارکس، در حوزه جامعه‌شناسی و جیمز، فروید، یونگ، فرانکل و آلپورت در حوزه روان‌شناسی بوده است. با این وجود، ارائه تعریفی از دین که مورد توافق همگان باشد، همچون سایر حوزه‌های مطالعاتی علوم انسانی، بسیار دشوار است. شاید بتوان گفت: دینداری اعتقاد به وجودی متعالی است که وعده فرارسیدن زندگی پس از مرگ را می‌دهد و به ما فرمان می‌دهد که در این دنیا، به شیوه‌ای اخلاقی عمل کنیم (گیدنز (Giddens)، ۱۳۷۷، ص ۴۹۶).

باور به اینکه خدایی وجود دارد که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر عبادت و نیایش عبادت‌کننده‌ها است، تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد. به طوری که اغلب افراد مؤمن، ارتباط خود با خداوند را مانند ارتباط با یک دوست بسیار صمیمی توصیف می‌کنند. این به نوبه خود می‌تواند موجب آرامش درونی فرد شود (لهسای زاده و همکاران، ۱۳۸۷). تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که مذهبی بودن، به معنای وسیع کلمه می‌تواند آثار بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند (پارک و همکاران، ۱۹۹۰). اما در خصوص جهت‌گیری مذهبی افراد، سؤالاتی قابل ذکر است. نخست اینکه، در عالم واقع پیامدهای سازگارانه و ناسازگارانه آن چگونه است؟ دوم اینکه، پیشایندهای این متغیر را در عالم واقع چه سازه‌هایی تشکیل می‌دهند؟ در این راستا، این پژوهش بر آن شد تا پیامدهای و پیشایندهای جهت‌گیری مذهبی را در یک مدل شناختی اجتماعی، مورد بررسی قرار دهد.

یکی از پیامدهای مهم مذهب، دیدگاه فرد نسبت به مرگ می‌باشد. مرگ و نگرش نسبت به مرگ، از جمله موضوعات مورد بحث در همه ادیان الهی است. یکی از جنبه‌های نگرش به مرگ، میزان اضطرابی آن است. اضطراب، واکنشی در برابر خطری نامعلوم، درونی و مبهم است که منشأ آن، ناخودآگاه و غیرقابل مهار است و عوامل متعددی آن را ایجاد می‌کنند (استارت و لاریا، ۲۰۰۱). بنابراین، انواع خاصی از اضطراب بر اساس منشأ آن، شناخته و نامگذاری شده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها، اضطراب مرگ است. بلسکی، اضطراب مرگ را افکار، ترس‌ها و هیجانات مرتبط با واقعه پایانی زندگی و فراتر از حالت عادی زندگی می‌داند (قاسم‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). هالتر و هالتر معتقدند: اضطراب مرگ مفهومی چند بُعدی است و هشت بُعد برای آن در نظر گرفته‌اند: ۱. هراس از فرایند مردن؛ ۲. هراس از مرگ زود هنگام؛ ۳. هراس از مرگ افراد مورد علاقه؛ ۴. هراس بیمارگونه از مرگ؛ ۵. هراس از تباهی؛ ۶. هراس از بدن پس از مرگ؛ ۷. هراس از ناشناخته بودن مرگ؛ ۸. هراس از مرده (فرر و همکاران، ۲۰۰۷). در کتب مذهبی، ترس از مرگ را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: یکی، ترس مثبت است که ناشی از ترس و خوف از عظمت خداوند متعال است. دیگری، ترس و وحشت از مرگ است که ناشی از وابستگی و دلدادگی به دنیای مادی است (موسوی خمینی، ۱۳۵۸، ص ۳۵۸).

با اینکه اشتغال ذهنی با مرگ در افراد مذهبی، روشی برای تدارک زندگی معنادار تلقی می‌گردد، ولی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اشتغال ذهنی با مرگ، می‌تواند در برخی از افراد مذهبی موجب اضطراب و افسردگی گردد (مالتی (Maltby) و دی (Day)، ۲۰۰۰). برای مثال، فیفل (Feifel) (۱۹۵۹) همبستگی مثبت معناداری را بین اضطراب مرگ و مذهب گزارش کردند. درحالی‌که ون (۲۰۱۲) و علی‌کبری دهکردی و همکاران (۱۳۹۰)، همبستگی منفی بین مذهب و اضطراب مرگ را نشان دادند. همچنین، لستر (Lester) (۱۹۹۰) در مطالعات خود نشان داد که هیچ همبستگی معناداری بین مذهب و اضطراب مرگ وجود ندارد.

همان‌گونه که مشاهده شد، تحقیقات اولیه در زمینه مذهب و اضطراب مرگ، حاکی از نتایج متناقض می‌باشد. این نتایج متناقض، می‌تواند حاکی از این باشد که انگیزه و جهت‌گیری مذهبی افراد متفاوت است. به علل اعتقادات، باورها و رفتارهای مذهبی افراد «انگیزه مذهبی» و گاه «جهت‌گیری مذهبی» گفته می‌شود (کوروش‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹). دیدگاه آلپورت درباره جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی به مذهب، تأثیری عمیق و ماندگار بر روان‌شناسی دین گذاشته است (دوناهو (Donahue)، ۱۹۸۵). آلپورت، اصطلاح «جهت‌گیری درونی» را برای تعریف کردن و متمایز کردن افرادی به کار می‌برد که حقیقتاً و خالصانه، تسلیم نوعی عقیده و ایمان به چیزی می‌باشند (همان). درونی با مذهبش زندگی می‌کند، تعصب کمتری دارد، از آموزش‌های مذهبی برای آگاهی از تعامل‌های روزمره با هموعانش استفاده می‌کند، هموعانش را دوست دارد و طرد و تحقیر و متنگذاری دیگران نزد او جایی ندارد (همان). در این‌گونه افراد، باورهای مذهبی طوری جذب خویشتن فرد می‌شوند که پس از آن، ارزش‌های مذهبی به صورتی برخاسته از اراده خود فرد تجربه می‌شوند. رفتارهای مذهبی مبتنی بر این نوع جهت‌گیری، بر اساس اهداف فردی درونی شده انجام می‌شوند که با خویشتن فرد عجین شده‌اند (کوروش‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹). در مقابل، جهت‌گیری مذهبی بیرونی، در واقع مذهب افرادی را نشان می‌دهد که از ایمان و عقیده مذهبی‌شان برای رفع نیازها و منافع شخصی‌شان استفاده می‌کنند. در واقع، مذهب وسیله‌ای برای اهداف خودخواهانه آنها می‌باشد. شخص بیرونی، متعصب است و از مذهب برای امنیت، راحتی، به دست آوردن موقعیت و حمایت اجتماعی استفاده می‌کند (دوناهو، ۱۹۸۵). این نوع جهت‌گیری، درونی شدن ناقص و ناتمام باورها و عقاید مذهبی است. حاصل اعمال و رفتارهای این نوع جهت‌گیری، تأیید شدن فرد از سوی خود و دیگران می‌باشد. در نتیجه، فرد در انجام این نوع اعمال، احساس نوعی باید و الزام می‌کند و همواره با حالتی از فشار و تعارض درونی همراه است (رایان و دسی، ۲۰۰۰).

در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی در زمینه جهت‌گیری مذهبی و سایر ابعاد روان‌شناسانه صورت پذیرفته است. تحقیقات نشان می‌دهند که ارتباطی مثبت بین جهت‌گیری مذهبی درونی و امید و بهزیستی (یگانه، ۱۳۹۲)، رضایت از زندگی (الیاس‌خان و حسین کاوا، ۲۰۱۵؛ سعید و بخاری، ۲۰۱۶) و سلامت معنوی (عاشوری و همکاران، ۱۳۹۳) و ارتباطی منفی بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و رضایت از زندگی وجود دارد (سعید و بخاری، ۲۰۱۶). در ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ، تحقیقات صورت گرفته حاکی از این است که جهت‌گیری مذهبی

بیرونی، همبستگی مثبتی با اضطراب مرگ دارد (لی و همکاران، ۲۰۱۳؛ منصورنژاد و کجباف، ۱۳۹۱)، درحالی که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و اضطراب مرگ همبستگی منفی وجود دارد (همان).

از سوی دیگر، در کنار مطالعه پیامدهای ابعاد جهت‌گیری مذهبی، بررسی پیشایندها و عوامل شکل‌گیری، نوع جهت‌گیری مذهبی افراد نیز درخور بررسی است. مطالعات انجام گرفته در زمینه روان‌شناسی دین، حاکی از این است که جهت‌گیری مذهبی افراد و روابط میان‌فردی آنها با یکدیگر ارتباط دارد (استراخان، ۱۹۹۶). خانواده اولین و مهم‌ترین بافتی است که روابط میان‌فردی در آن شکل می‌گیرد. به عقیده برخی از اندیشمندان، همچون فروید، زمینه اصلی شکل‌گیری شخصیت کودک در همان سال‌های اولیه زندگی و بخصوص تا سن شش سالگی در خانواده است (احدی و جمهری، ۱۳۸۹، ص ۲۸). برخی دیگر از اندیشمندان نیز به نوعی بر اهمیت بسزای سال‌های اولیه زندگی در شکل‌گیری شخصیت فرد تأکید کرده‌اند.

شیوه‌های فرزندپروری در واقع، نگرش‌های قابل درک والدین نسبت به فرزند است. درحالی که این شیوه‌ها یک فضای عاطفی را ایجاد می‌کنند که طبق آن (فضای عاطفی)، رفتار والدین بروز داده می‌شود (حاجی کاظم تهرانی و همکاران، ۱۳۹۳). فضای عاطفی ایجاد شده، زمینه‌ای را برای فرزندان فراهم می‌آورد تا به طور منطبق و هماهنگی رفتارهای فرزندپروری را تغییر و به موجب آن، تعاملات خود با والدین را تغییر شکل دهند (دارلینگ و همکاران، ۲۰۰۷). بامریند، سه شیوه فرزندپروری را عنوان کرد که والدین بر اساس آنها به تربیت فرزندان خویش همت می‌گذارند.

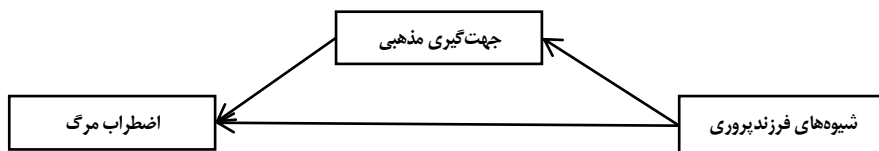
نخستین گروه، والدین آسان‌گیر می‌باشند. این گروه، در برابر درخواست‌ها و اعمال کودکان خود، همواره موافق و پذیرنده هستند. از کنترل کودکان خویش پرهیز و نسبت به اعمال کودکان و نوجوانان خویش، هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند. دومین گروه، والدین استبدادی هستند. این گروه، سعی می‌کنند رفتارها و نگرش‌های کودکان و نوجوانان خود را با توجه به معیارهای رفتاری معین و طبق قالب‌ها و ساخت‌های خاصی شکل داده، کنترل و ارزیابی کنند. این والدین، کودکان را به اطاعت تشویق می‌کنند و برای گردن نهادن به معیارهای معین شده، استفاده از شیوه‌های مختلف تنبیه را ترجیح می‌دهند. این شیوه فرزندپروری، همواره با عزت‌نفس پایین، افسردگی و رفتار ضداجتماعی در نوجوان ارتباط دارند (برک، ۱۳۹۲، ص ۱۳۶). آخرین گروه، والدین دموکراتیک می‌باشند. این گروه، تلاش می‌کنند کودکان خود را به طریق دموکراتیک راهنمایی کنند. گفت‌وگوی دوجانبه میان خود و کودکان را تشویق می‌کنند و دلایل نحوه تصمیم‌گیری‌های خود را با آنان در میان می‌گذارند (استین برگ و مورس، ۲۰۰۱). در صورت لزوم، از کنترل و شیوه‌های ملایم تنبیه استفاده می‌کنند تا بتوانند بدون اشکال و به سرعت به بازسازی احساسات و عواطف جریحه‌دار شده، میان والدین و فرزندان بپردازند و روابط گرم و عاطفی در این خانواده‌ها وجود دارد (فیتز پاتریک، ۲۰۰۴).

تحقیقاتی که به بررسی ارتباط مذهب و ارتباطات خانوادگی پرداخته‌اند، نشان داده‌اند که شیوه فرزندپروری همراه با پذیرش و کنترل مطلوب، پیش‌بین جهت‌گیری مذهبی درونی است (سیفی‌گندمانی و همکاران، ۱۳۸۸؛

حاجی کاظم تهرانی و همکاران، ۱۳۹۳) است، اما تأیید نکردن فرزندان و دریغ کردن محبت والدین از آنها، با درونی شدن ارزش‌های اخلاقی سطح بالای فرزندان، رابطه منفی دارد (کوروش‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹).

بنابراین، طبق تحقیقات صورت گرفته، شیوه فرزندپروری نقش پیش‌بین در جهت‌گیری مذهبی دارد. از این رو، می‌توان این‌گونه فرض کرد که شیوه فرزندپروری مقدم بر جهت‌گیری مذهبی است و در قالب مسیرهای علی، می‌بایست در طول آن قرار گیرد. از سوی دیگر، برخی تحقیقات نشان داده‌اند که جهت‌گیری مذهبی، نقش واسطه‌گری در بین سن و اضطراب مرگ (هنری و پاتریک، ۲۰۱۴) و نقش واسطه‌گری در بین شیوه‌های فرزندپروری و معنای زندگی دارد (خلیلی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳). از این رو، با توجه به پیشینه تحقیقاتی صورت گرفته، جهت‌گیری مذهبی می‌تواند به‌عنوان متغیر میانجی در رابطه شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مرگ قرار گیرد. همچنین، این پژوهش درصدد است با توجه به ویژگی‌های حساس دوره نوجوانی و مسئله هویت‌یابی آنان که در این دوره سنی به دنبال تجربه امور مذهبی و معنوی برای پایداری به آنان می‌باشند و با توجه به اینکه تجارب و کنش‌های نوجوانان در این سن، با اعمال خطرناکی روبرو می‌باشد که مسئله ترس از مرگ را به میان می‌آورد. جامعه آماری این پژوهش را نوجوانان تشکیل می‌دهند. بنابراین، برای بررسی تناسب مدل پرسش زیر مطرح می‌شود:

آیا جهت‌گیری مذهبی نقش واسطه‌ای در ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مرگ دارد؟



شکل ۱. نمودار کلی مدل علی شیوه‌های فرزندپروری، جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ

روش پژوهش

از آنجا که هدف این پژوهش، پیش‌بینی اضطراب مرگ دانش‌آموزان، بر اساس ابعاد شیوه فرزندپروری با نقش واسطه‌گری جهت‌گیری بود. از این رو، این پژوهش از نوع همبستگی و تحلیل مسیر می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه نظری (دوره دوم) شهر شیراز تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۹۳-۹۲، در مدارس متوسطه این شهر مشغول به تحصیل بودند که حدود ۴۵ هزار نفر می‌باشند. از آنجا که حداقل حجم نمونه برای مدل تحلیل مسیر، ۲۰۰ نفر می‌باشد (میرز و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۹۴). از این رو، شرکت‌کنندگان پژوهش، ۲۱۵ دانش‌آموز دختر و پسر بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ بدین صورت که از بین نواحی چهارگانه آموزشی شهر شیراز، ۲ ناحیه به صورت تصادفی انتخاب گردید. سپس، از هر ناحیه به صورت تصادفی، ۲ مدرسه (یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه) و از هر

مدرسه ۲ کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید. در مجموع، ۱۱۱ نفر (۵۲٪) را دختران و ۱۰۴ نفر (۴۸٪) را پسران تشکیل دادند. معیار ورود به تحقیق، رضایت مدرسه و کلاس و معیار خروج نیز ناقص بودن پرسش‌نامه بود. به آزمودنی‌ها نیز گفته شد که پاسخ‌های آنها صرفاً جهت کار پژوهشی بوده و بدون نام و نام خانوادگی و به صورت محرمانه در نزد پژوهشگر می‌باشند. ابزارهای پژوهش عبارتند از:

مقیاس جهت‌گیری مذهبی آپورت: این مقیاس شامل ۲۱ گزینه است که دو بُعد جهت‌گیری مذهبی بیرونی (شامل ۱۱ سؤال) و جهت‌گیری مذهبی درونی (شامل ۱۰ سؤال) را اندازه‌گیری می‌کند (دوناهیبو، ۱۹۸۵). در این مقیاس، گزینه‌ها در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند که حداقل نمره ۲۱ و حداکثر نمره ۱۰۵ می‌باشد. روایی این مقیاس، توسط فگین با استفاده از تحلیل عامل به دست آمد که دو عامل به صورت کامل از هم منفک شدند و پایایی آن در سطح خوبی نشان دادند (همان). در ایران نیز پایایی این مقیاس، توسط جان‌بزرگی (۱۳۷۸) و حیرری و همکاران (۱۳۸۸) بررسی شد و در سطح مطلوبی گزارش داده شده است. در این پژوهش نیز پایایی این مقیاس به روش آلفای کرانباخ ۰/۷۳ برای جهت‌گیری درونی و ۰/۷۸ برای جهت‌گیری بیرونی به دست آمد.

مقیاس اضطراب مرگ تمپلر: این مقیاس، متشکل از ۱۵ سؤال صحیح-غلط می‌باشد که به صورت صفر و یک نمره‌گذاری می‌شوند. حداقل نمره این مقیاس، صفر و حداکثر نمره ۱۵ است که نمره بالا بیانگر اضطراب مرگ بالا می‌باشد. تمپلر (۱۹۷۰)، ضریب بازآزمایی مقیاس را ۰/۸۳ به دست آورده و روایی همزمان به وسیله همبستگی آن با مقیاس اضطراب آشکار ۰/۲۷ و با مقیاس افسردگی ۰/۴۰ گزارش شده است. پایایی و روایی این پرسش‌نامه در ایران را رجبی و بحرانی (۱۳۸۰) بررسی کرده و بر این اساس ضریب پایایی تصنیفی را ۰/۶۲ به دست آورد. در این پژوهش نیز پایایی این مقیاس به روش آلفای کرانباخ ۰/۶۸ به دست آمد.

مقیاس شیوه‌های فرزندپروری بامریند: این مقیاس شامل ۳۰ گویه است که سه بُعد فرزندپروری دموکراتیک، استبدادی و آسان‌گذاری را اندازه‌گیری می‌کند. گویه‌ها در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) درجه‌بندی شده و برای هر بُعد حداقل نمره ۱۰ و حداکثر نمره ۵۰ است. بوری، میزان پایایی این پرسش‌نامه را با روش بازآزمایی، ۰/۸۱ برای بُعد آسان‌گذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای دموکراتیک گزارش نمود (اسفندیاری، ۱۳۷۴، ص ۸۳). در ایران نیز این مقیاس توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) مورد استفاده قرار گرفت و روایی و پایایی مطلوبی را برای آن گزارش نمود. در این پژوهش نیز پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ برای شیوه آسان‌گذاری ۰/۷۵، استبدادی ۰/۸۱ و دموکراتیک ۰/۸۴ به دست آمد.

برای جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا توضیحات مقدماتی درباره مقیاس‌ها و چگونگی تکمیل و هدف از اجرای تحقیق به آزمودنی‌ها ارائه گردید. سپس، مقیاس جهت‌گیری مذهبی و بُعد مقیاس شیوه‌های فرزندپروری و در نهایت، مقیاس اضطراب مرگ در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت تا آن را تکمیل کنند. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، پاسخ‌ها جمع‌آوری شدند.

برای ارزیابی ارتباط علی میان متغیرهای پژوهش، از روش تحلیل مسیر با استفاده از ایموس و برای بررسی نقش واسطه‌گری متغیر میانجی از دستور بوت استرپ در نرم‌افزار ایموس استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پیش از بررسی فرضیه‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین و انحراف معیارها متغیرها بررسی شد و نتایج نشان داد که فرزندپروری دموکراتیک، دارای بیشترین میانگین بود. نتایج کامل در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
فرزندپروری دموکراتیک	دختر	۲۹/۲	۴/۷
	پسر	۲۹	۴/۶
فرزندپروری استبدادی	دختر	۱۱/۱	۳/۲
	پسر	۱۰/۸	۳/۱
فرزندپروری آسان‌گذاری	دختر	۲۴/۲	۵/۷
	پسر	۲۳/۸	۵/۶
جهت‌گیری مذهبی درونی	دختر	۲۲/۲	۵/۶
	پسر	۲۲	۵/۴
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	دختر	۱۷/۹	۴/۷
	پسر	۱۹/۵	۵
اضطراب مرگ	دختر	۶/۲	۱/۵
	پسر	۶/۸	۱/۷

برای بررسی رابطه ساده بین متغیرهای پژوهش، همبستگی متغیرها محاسبه گردید و نشان داد که همبستگی بین متغیرها در اغلب موارد معنادار هستند. از این رو، امکان بررسی مدل فراهم می‌باشد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۱	فرزندپروری دموکراتیک
				۱	-۰/۱۳*	فرزندپروری استبدادی
			۱	-۰/۱۷*	۰/۱۷*	فرزندپروری آسان‌گذاری
		۱	۰/۳۷**	-۰/۳۵**	-۰/۲۹**	جهت‌گیری مذهبی درونی
	۱	-۰/۱۷*	۰/۲۲**	۰/۲۵**	۰/۱۱	جهت‌گیری مذهبی بیرونی
۱	۰/۵۸**	-۰/۲۵**	۰/۲۷**	۰/۱۵*	-۰/۲۳**	اضطراب مرگ

**= $P < 0.01$

*= $P < 0.05$

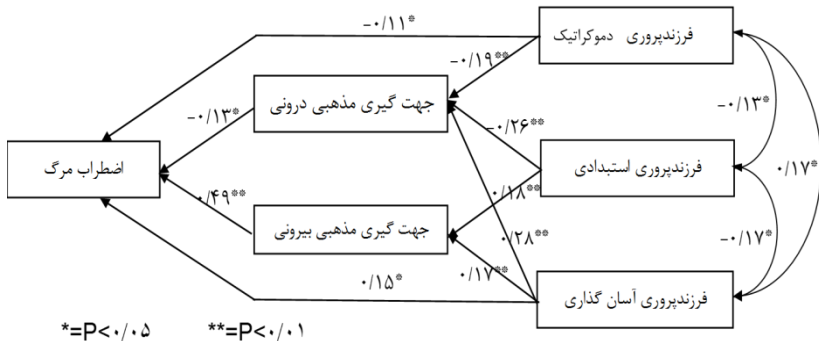
در ابتدا، شاخص‌های برازش مدل محاسبه گردید که نتایج این تحلیل در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	X2/df	P	GFI	AGFI	NFI	IFI	CFI	LTI	RMSEA
قبل از اصلاح	۳۲/۸۴	۰/۰۰۰۱	۰/۷۷	۰/۱۱	۰/۴۴	۰/۴۴	۰/۴۲	-۰/۷۸	۰/۳۲
بعد از اصلاح	۰/۸۹	۰/۰۰۱	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۰۴

در جدول ۳، هم شاخص‌های قبل از اصلاح و هم شاخص‌های بعد از اصلاح نشان داده شده است. شاخص‌های قبل از اصلاح، نشان می‌دهد که مدل در ابتدا از برازش خوبی برخوردار نبود که با حذف مسیرهای پیشنهادی غیرمعنادار از جمله حذف مسیر فرزندپروری دموکراتیک به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و فرزندپروری استبدادی به اضطراب مرگ و همچنین، با انجام اصلاحات مورد نیاز، مدل به برازش مطلوب رسید. شاخص‌های بعد از اصلاح نشان می‌دهد که مدل از برازش خوبی برخوردار است.

برای پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه «آیا ابعاد جهت‌گیری مذهبی نقش واسطه‌ای در ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مرگ دارد؟» نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر سه بُعد فرزندپروری از طریق واسطه‌گری ابعاد جهت‌گیری مذهبی، دارای اثر غیرمستقیم بر اضطراب مرگ می‌باشند. به علاوه، بُعد فرزندپروری دموکراتیک و آسان‌گذاری نیز دارای اثرات مستقیم بر اضطراب مرگ می‌باشند. نتایج دقیق حاصل از فرضیه اول پژوهش در شکل ۲ و جدول ۴ آورده شده است.



شکل ۲. ضرایب استاندارد مدل مفهومی پژوهش

جدول ۴. ضرایب مسیرهای مستقیم موجود در مدل

P	T	خطای	مقدار	مقدار	مسیر
۰/۰۰۱	۳/۸	۰/۰۸	-۰/۱۹	-۰/۲۳	فرزندپروری دموکراتیک بر جهت‌گیری مذهبی درونی
۰/۰۳۲	۲/۲	۰/۰۵	-۰/۱۱	-۰/۱۴	فرزندپروری دموکراتیک بر اضطراب مرگ
۰/۰۰۰۱	۴/۹	۰/۰۷	-۰/۲۶	-۰/۲۸	فرزندپروری استبدادی بر جهت‌گیری مذهبی درونی
۰/۰۰۳	۳/۵	۰/۰۸	۰/۱۸	۰/۲۱	فرزندپروری استبدادی بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی
۰/۰۰۰۱	۵/۲	۰/۰۴	۰/۲۸	۰/۳۲	فرزندپروری آسان‌گذاری بر جهت‌گیری مذهبی درونی
۰/۰۰۸	۳/۳	۰/۰۵	۰/۱۷	۰/۱۹	فرزندپروری آسان‌گذاری بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی
۰/۰۲۵	۲/۹	۰/۰۷	۰/۱۵	۰/۱۸	فرزندپروری آسان‌گذاری بر اضطراب مرگ
۰/۰۳۰	۲/۵	۰/۰۴	-۰/۱۳	-۰/۱۶	جهت‌گیری مذهبی درونی بر اضطراب مرگ
۰/۰۰۰۱	۶/۵	۰/۰۶	۰/۴۹	۰/۵۴	جهت‌گیری مذهبی بیرونی بر اضطراب مرگ

همان‌گونه که نتایج شکل ۲ و جدول ۴ نشان می‌دهند، فرزندپروری دموکراتیک دارای اثر منفی بر جهت‌گیری مذهبی درونی است ($\beta = -0.19$ و $P = 0.001$). فرزندپروری استبدادی، دارای اثر منفی بر جهت‌گیری مذهبی درونی ($\beta = -0.26$ و $P = 0.0001$) و اثر مثبت بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی ($\beta = 0.18$ و $P = 0.003$) است. فرزندپروری آسان‌گذاری نیز دارای اثر

مثبت بر هر دو بُعد جهت‌گیری مذهبی درونی ($\beta=0/28$ و $P=0/003$) و بیرونی ($\beta=0/17$ و $P=0/008$) می‌باشد. جهت‌گیری درونی، دارای اثر منفی ($\beta=-0/13$ و $P=0/030$) و جهت‌گیری بیرونی، دارای اثر مثبت ($\beta=0/49$ و $P=0/0001$) بر اضطراب مرگ است. همچنین، فرزندپروری دموکراتیک به صورت مستقیم دارای اثر منفی ($\beta=-0/11$) و فرزندپروری آسان‌گذاری، دارای اثر مثبت بر اضطراب مرگ ($\beta=0/15$ و $P=0/025$) هستند. برای بررسی سهم واسطه‌گری هر یک از ابعاد جهت‌گیری مذهبی، در بین متغیرهای پژوهش، از دستور بوت استرپ در ایموس استفاده شد که نتایج در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۵. برآورد مسیرهای غیرمستقیم موجود در مدل با استفاده از بوت استرپ

معداری	حد پائین	حد بالا	مقدار برآورد	مسیر		
				متغیر ملاک	متغیر واسطه	متغیر پیش‌بین
0/007	0/014	0/038	0/08	اضطراب مرگ	جهت‌گیری درونی	فرزندپروری دموکراتیک
0/005	0/003	0/051	0/09	اضطراب مرگ	جهت‌گیری درونی	فرزندپروری استبدادی
0/001	0/075	0/117	0/13	اضطراب مرگ	جهت‌گیری بیرونی	فرزندپروری استبدادی
0/003	0/009	0/016	0/10	اضطراب مرگ	جهت‌گیری درونی	فرزندپروری آسان‌گذاری
0/001	0/048	0/133	0/12	اضطراب مرگ	جهت‌گیری بیرونی	فرزندپروری آسان‌گذاری

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، از بین ابعاد جهت‌گیری مذهبی، تنها جهت‌گیری درونی توانست در بین فرزندپروری دموکراتیک و اضطراب مرگ ($\beta=0/08$ و $P=0/007$) نقش واسطه‌ای ایفا نماید. اما هر دو بُعد جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی توانستند هم در بین فرزندپروری استبدادی و اضطراب مرگ و هم در بین فرزندپروری آسان‌گذاری و اضطراب مرگ به صورت معنادار نقش واسطه‌گری ایفا نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه ابعاد فرزندپروری و اضطراب مرگ، با واسطه‌گری ابعاد جهت‌گیری مذهبی در قالب یک مدل علی بود. در راستای این هدف، یافته‌ها نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری با جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ، رابطه معنادار وجود دارد. برخلاف آنچه که پیش‌بینی می‌شد، نتایج نشان دادند که فرزندپروری دموکراتیک پیش‌بینی‌کننده منفی جهت‌گیری مذهبی درونی بود. از آنجاکه پژوهشی مشابه با این نتیجه یافت نشد، امکان مقایسه فراهم نگردید. ولی در تبیین این یافته‌ها، می‌توان گفت: در خانواده‌های دموکراتیک در رابطه با مسائل مختلف - از جمله مسائل مذهبی - بحث و گفت‌وگو می‌شود (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴). اما بحث‌های مذهبی، بیشتر در حول محور آشنایی فرزندان با امور مذهبی می‌باشد و بر درونی شدن باورهای مذهبی و پایبندی عمیق به آنها - آن‌گونه که در فرزندپروری استبدادی رخ می‌دهد - سعی جدی نمی‌شود؛ یعنی در این شیوه فرزندپروری، والدین بیشتر سعی و تلاش خود را بر آشنایی فرزندان، با امور مذهبی و رفتارهای مذهبی می‌گذارند و به درونی شدن آنها، در فرزندان خود اصرار نمی‌ورزند.

نتایج همچنین نشان دادند که فرزندپروری دموکراتیک، پیش‌بینی‌کننده منفی اضطراب مرگ است. اقتدار و دموکراتیک حاصل محبت و کنترل است. شاید دلیل اضطراب پایین برای نوجوانان این خانواده‌ها، این باشد که فرزندان، کنترل بالا به همراه محبت بالا را نشانه اهمیت و رسیدگی والدین می‌دانند (سیمونز و کنگر، ۲۰۰۷). این امر موجب می‌گردد که نوجوانان احساس کنند که پناهگاهی امن برای زمان بحران و اضطراب دارند (سیفی‌گندمانی و همکاران، ۱۳۸۸). بدین صورت، اضطراب مرگ آنها نیز کمتر است و این نوع فرزندپروری با اضطراب مرگ رابطه معکوس دارد.

یافته‌ها همچنین نشان دادند که فرزندپروری استبدادی پیش‌بین منفی جهت‌گیری مذهبی درونی و پیش‌بین مثبت جهت‌گیری مذهبی بیرونی بود. این یافته‌ها، به گونه‌ای با پژوهش‌های پیشین هماهنگ است (کوروش‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹). این یافته‌ها، نشان می‌دهد که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که در آنها به اطاعت از مراجع قدرت، کنترل و هم‌نواپی تأکید زیادی می‌شود (کوروش‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹). تأکیدی که با کمتر درونی شدن ارزش‌های اخلاقی سطح بالای فرزندان ارتباط دارد. در این خانواده‌ها، والدین به جای اینکه به رشد خودتنظیمی فرزندان خود در قبال عقاید و رفتارهای مذهبی آنها کمک کنند، سعی می‌کنند خود، آنها را تنظیم کنند (استراهان، ۱۹۹۶). از آنجاکه بخش‌های تشکیل‌دهنده خویشتن این افراد، یکپارچه و با ثبات نیست، آنها در نتیجه‌گیری‌ها و اتخاذ عقاید مذهبی شخصی خود، به وابستگی‌های دنیای بیرون اتکا دارند. طبق یافته‌های بعدی پژوهش که نشان دادند شیوه فرزندپروری آسان‌گذاری پیش‌بینی‌کننده مثبت جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی است، می‌توان گفت: در خانواده‌هایی که والدین فرزندان خود را با این شیوه تربیت می‌کنند، این فرزندان در امور خود آزادی عمل بیشتری دارند. در امور مذهبی، این فرزندان اجباری را احساس نمی‌کنند؛ یعنی با میل خود به سراغ کنکاش و جست‌وجوی امور مذهبی می‌روند. آنچه را که مطلوب‌تر یافتند، به آن پایبند می‌گردند. خصوصاً این تحقیق بر روی نوجوانان صورت گرفته و این تبیین را بهتر می‌توان پذیرفت. نوجوانان در این سن به دنبال کسب هویت می‌باشند و آنچه را آزادانه‌تر و بدون فشار کنکاش کنند، بهتر می‌توانند تجربه کنند و بپذیرند یا رد کنند. درواقع، کنترل پایین در این نوع فرزندپروری، بهترین هدیه والدین به نوجوانی است که در جست‌وجوی استقلال است (سیفی‌گندمانی و همکاران، ۱۳۸۸). شاید به همین دلیل، فرزندپروری آسان‌گیر پیش‌بینی‌کننده مثبت قوی‌تر (۰/۲۸) جهت‌گیری مذهبی درونی می‌باشد، تا بعد جهت‌گیری مذهبی بیرونی (۰/۱۷). باید توجه داشت که این مطلب در خصوص نوجوانانی است که مذهب را برگزیده‌اند. به تعبیر دیگر، این شیوه فرزندپروری خیلی ریسک‌پذیر است و بسیار لغزنده است؛ یعنی اینکه این نوجوانان به مذهب روی نمی‌آورند و غیرمذهبی می‌شوند. ولی اگر به سمت مذهب به پیش روند و مذهبی شوند، به احتمال بسیار زیاد با جهت‌گیری درونی مذهبی می‌شوند. شیوه فرزندپروری آسان‌گیر دو وجهی است. دو وجهی

بودن، به این معنا که از یک سو، ممکن است نتایج مثبتی داشته باشد، همچون به دست آوردن جهت‌گیری مذهبی درونی و از سوی دیگر، می‌تواند نتایجی منفی در پی داشته باشد.

همچنین، نتایج حاصل از تحقیق نشان دادند که جهت‌گیری مذهبی درونی، پیش‌بین منفی اضطراب مرگ است. این یافته، با پژوهش‌های لی و همکاران (۲۰۱۳)، منصورنژاد و کجیاف (۱۳۹۱) هماهنگ است. مک‌ایتاش و همکاران، بیان می‌کنند که افراد مذهبی دارای روان‌بنه‌های مذهبی هستند که می‌توانند به آنها در پردازش شناختی مرگ کمک کنند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۸). این روان‌بنه‌ها، ارزیابی ما را از فلسفه زندگی و مرگ تحت تأثیر قرار می‌دهند. حتی می‌توانند اضطراب‌های ناشی از اندیشیدن به مرگ را مهار نمایند. بنابراین، افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی، رویدادها را به شکل مثبت‌تر و به شکل تقدیرهای الهی در نظر می‌گیرند. جانگ (۱۹۶۵) معتقد است: همه مذهب‌های بزرگ جهان یک آمادگی برای مرگ فراهم می‌کنند. در نتیجه، افرادی که از اعتقادات مذهبی درونی و قوی‌تری برخوردارند، مرگ را به‌عنوان یک فرایند طبیعی از زندگی می‌دانند. مرگ برای چنین افرادی، حسی از معنی در زندگی فراهم می‌سازد. این جهت‌گیری، با ایمان و مؤلفه‌های آن همچون امید، تسلیم و رضا، هم‌نوايي بیشتری دارد و می‌توان گفت: نزدیک شدن افراد به جهت‌گیری مذهبی درونی در واقع به‌معنای نزدیک شدن آنان به ایمان می‌باشد که برای هموار کردن این مسیر، باید به شیوه‌های فرزندپروری و نوع ارتباط با فرزندان بسیار توجه نمود و از آن غافل نشد.

از سوی دیگر، نتایج تحقیق نشان دادند که جهت‌گیری مذهبی بیرونی پیش‌بینی‌کننده مثبت و قوی اضطراب مرگ است. این یافته با نتایج تحقیقات لی و همکاران (۲۰۱۳)، منصورنژاد و کجیاف (۱۳۹۱) هماهنگ است. افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، دارای اغتشاشات هیجانی بیشتری می‌باشند. در این افراد، مذهب بیرونی امری است خارجی و ابزاری که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد و مذهب را همچون سایر پایگاه‌های اجتماعی، به‌عنوان یک جایگاه در نظر می‌گیرند که می‌توانند با استفاده از آن در اجتماع به کنش با افراد پردازند (دوناهو، ۱۹۸۵). در این افراد، مذهب نه یک تعهد است و نه هدف، بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به قصد و غرض خود. این کنش و واکنش‌ها و دائم در حال تغییر بودن، موجب می‌شود که فرد از یک جهت‌گیری باثبات محروم شود و مادام در دلهره و عدم آرامش به سر بردن، موجب می‌شود که در مواقع بحرانی، نتواند به تکیه‌گاهی امن و مطمئن پناه ببرد. این امر موجب اضطراب فرد می‌شود و به نوبه خود، اضطراب مرگ آنها دائم در سطحی بالاتر قرار دارد.

در جمع‌بندی نهایی، از تحلیل‌ها می‌توان گفت: جهت‌گیری مذهبی به خوبی نقش واسطه‌گری در بین شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مرگ ایفا نموده است. این یافته‌ها، مؤید آن است که خانواده از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های جهت‌گیری نوجوانان می‌باشند. همچنین، نوع جهت‌گیری افراد میزان اضطراب مرگ آنها را تعیین و یا تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پیشنهادات

با توجه به ارتباط مثبت جهت‌گیری مذهبی بیرونی، با اضطراب مرگ دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران نهاد تعلیم و تربیت (خانواده، مدرسه و جامعه) و نهاد دین، برای کاهش این بعد و افزایش جهت‌گیری مذهبی درونی، در دانش‌آموزان برنامه‌ریزی صورت دهند. با توجه به ارتباط مثبت فرزندپروری دموکراتیک با جهت‌گیری مذهبی درونی و ارتباط مثبت فرزندپروری استبدادی با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و کاربردی مناسب برای والدین جهت آموزش و تقویت این شیوه فرزندپروری و کاهش فرزندپروری استبدادی برنامه‌ریزی و ارائه گردد.

محدودیت‌های پژوهش

- طرح این پژوهش از نوع همبستگی است و استنباط علی از نتایج آن باید با احتیاط صورت گیرد.
- محدودیت و مشکل دسترسی به مقالات و مجلات معتبر خارجی.
- اطلاعات جمع‌آوری شده در این پژوهش، از مقیاس‌های خودگزارشی به‌دست آمده که این اندازه‌گیری‌ها ممکن است توسط مطلوبیت اجتماعی و سوگیری تحت تأثیر قرار گرفته باشند.

منابع

- احدی، حسن و فرهاد جمهری، ۱۳۸۹، *روان‌شناسی رشد (حوانی، میانسانی و پیری)*، قم، آینده درخشان.
- اسفندیاری، غلامرضا، ۱۳۷۴، *بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، انستیتو روان‌پزشکی.
- برک، لورا، ۱۳۹۲، *روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۷۸، *بررسی اثربخشی روان‌درمانگری با و بدون جهت‌گیری مذهبی بر مهار اضطراب و تنبذگی*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- حاجی کاظم‌تهرانی، مریم و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی»، *روان‌شناسی و دین*، سال هفتم، ش ۳، ص ۹۳-۱۰۸.
- حیدری، اسفندیار و همکاران، ۱۳۸۸، «رابطه مذهب با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی»، *روان‌شناسی* ۵۱، سال سیزدهم، ش ۳، ص ۳۲۵-۳۴۱.
- خلیلی‌فر، مینا و همکاران، ۱۳۹۳، «نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی برای سبک‌های فرزندپروری و معنای زندگی در دانش‌آموزان پایه سوم دوره دبیرستان شهر شیراز»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۵۹-۷۳.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۵۸، *چهل حدیث*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- رجبی، غلامرضا و محمود بحرانی، ۱۳۸۰، «تحلیل عاملی سؤال‌های مقیاس اضطراب مرگ»، *روان‌شناسی*، ش ۲۰، ص ۳۳۱-۳۴۴.
- سیفی‌گندمانی، محمدیاسین و همکاران، ۱۳۸۸، «سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر) و تأثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکردی نو به فرزندپروری»، *اصول بهداشت روانی*، سال یازدهم، ش ۱۳، ص ۱۸۵-۱۹۴.
- عاشوری، جمال و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه جهت‌گیری مذهبی، خوش‌بینی و هوش معنوی با سلامت معنوی مریبان قرآن»، *روان‌شناسی و دین*، سال هفتم، ش ۲، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- علی‌اکبری دهکردی، مهناز و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و ازخودبیگانگی در سالمندان استان تهران»، *پژوهش‌های روان‌شناختی اجتماعی*، دوره اول، ش ۲، ص ۱۴۰-۱۵۹.
- قاسم‌پور، عبدالله و همکاران، ۱۳۹۱، «پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس راهبردهای تنظیم شناختی هیجان»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال سیزدهم، ش ۲، ص ۶۳-۷۰.
- کوروش‌نیا، مریم و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات ادراک شده در خانواده و جهت‌گیری مذهبی در دانش‌جویان»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ششم، ش ۳، ص ۴۵-۶۵.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چ چهارم، تهران، نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی مهاجران بر اساس مدل آلپورت و راس: نمونه مورد مطالعه قصر شیرین»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۸، ص ۱۴۹-۱۶۹.
- منصورنژاد، زهرا و محمدباقر کجباف، ۱۳۹۱، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی (درونی، بیرونی) و جنسیت، با اضطراب مرگ در دانش‌جویان»، *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، سال دوم، ش ۱، پیاپی ۲، ص ۵۴-۶۴.
- میرزا، ال. اس و همکاران، ۱۳۸۹، *پژوهش چندمتغیره کاربردی (طرح و تفسیر)*، ترجمه پاشا شریفی و همکاران، تهران، رشد.
- یگانه، طیبه، ۱۳۹۲، «بررسی نقش جهت‌گیری مذهبی در تبیین امید و بهزیستی روان‌شناختی زنان مبتلا به سرطان پستان»، *بیماری‌های پستان ایران*، سال ششم، ش ۳، ص ۴۷-۵۶.

- parental authority and obligation to obey as predictors of obedience, *Journal of Adolescence*, 30 (2), p. 297-311.
- Donahue, M. J, 1985, Intrinsic and extrinsic religiousness: Review and meta analysis, *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 48 (2), p. 400-419.
- Feifel, H, 1959, *Attitudes toward death in some normal and mentally ill populations, The Meaning of Death*, New York, McGraw-Hill.
- Fitzpatrick, M. A, 2004, The family communication patterns theory, Observations on its development and application, *The Journal of Family Communication*, v. 4 (3), p. 167-179.
- Furer, P, et al, 2007, *Treating health anxiety and fear of death: A practioners guide*, New York, Springer Publishing.
- Henrie, J, & Patrick, J, 2014, Religiousness, Religious Doubt, and Death Anxiety, *The International Journal of Aging and Human Development*, v.78 (3), p. 203-227.
- Ilyas-Khan, M, & Hussain-Kawa1, M, 2015, A Study of Religious Orientation and Life Satisfaction among University Students, *International Journal of Social Sciences (IJSS)*, v. 5 (2), p. 11-18.
- Lee, S. A, et al, 2013, Associations Between Death Fascination, Death Anxiety and Religion among Polish College Students, *Journal of Polish Psychological Bulletin*, v. 44 (4), p. 439-448.
- Lester, D, 1990, The collett-lester Fear of Death Scale: The original version and a revision, *Death studies*,v.14, p. 451-468.
- Maltby, J, & Day, L, 2000b, The reliability and validity of the death obsession scale among English university and adult amples, *Personality and Individual Differences*, v. 28, p. 695-700.
- Park, C, et al, 1990, Intrinsic religiousness and religion coping as life stress moderator for catholic versus protestants, *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 59 (3), p. 562-574.
- Ryan, P. M, & Deci, E. L, 2000, Self-Determination Theory and the Facilitation of Intrinsic Motivation, Social Development, and Well-Being, *The Journal of American Psychologist*, v. 55 (1), p. 68-78.
- Saeed, F, & Bokharey, Z. I, 2016, Gender Differences, Life Satisfaction, its Correlate and Death Anxiety in Retirement, *Journal of Psychology and Clinical Psychiatry*, v. 5 (2), p. 1-7.
- Simons, G, & Conger, R. D, 2007, Linking mothers and fathers difference in parenting to a typology of family parenting styles and adolescent out come, *Journal of Family Issues*, n. 28, p. 212-241.
- Steinberg, L, & Morris, A. S, 2001, Adolescent development, *Annual Review of Psychology*, n. 52, p. 83-110.
- Strahan, B. J, 1996, Does Religion Support Family Relationships?, It Depends on What Kind of Religion, *Australian Family Research Conference*, p. 27-29.
- Stuart, G. W, & Laraia, M. T, 2001, *Principles and practice of psychiatric nursing*. 7th ed. St Louis: Mosby press.
- Templer, D. I, 1970, The construction and validation of a death anxiety scale, *Journal of General Psychology*, v. 82 (2), p. 165-177.
- Wen, Y. H, 2012, Religiosity and Death Anxiety of College Students, *The Journal of Human Resource and Adult Learning*, v. 8 (2), p. 98-106.